

sociological analysis of punishment in the field of water crimes "Case study: Judicial rulings of Sistan plain"

Punishment reflected in judicial rulings is considered as one of the tools of government governance in the field of water resources management in the crisis-stricken region of Sistan. Therefore, identifying the philosophical goals and social influences of this institution reveals the strengths and weaknesses of the judicial procedure. The results of this study, which was conducted by descriptive-inferential analysis, showed that some courts in Sistan area follow the approach of utilitarian philosophy and others follow the approach of punishment. This philosophical dichotomy renders the justice system's policies in protecting water resources ineffective. On the other hand, judges' attention to the cultural, religious, social and identity structures of Sistan society in the sentencing stage can prevent the destructive social effects of punishment at the individual and social levels. Sociological analysis of examples of votes suggests that inappropriate response leads to the formation of a criminal identity resulting from social stigma in the convict and de-sensitizes the importance of these crimes. Keywords: water crimes, philosophy of punishment, social effects of punishment, water rights

تحلیل جامعه‌شناختی مجازات درزمینه جرائم آب " مطالعه موردی: آرای قضایی حوزه دشت سیستان "

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی^۱سید حسین حسینی^۲سید محمدجواد ساداتی^۳سعید گوهری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۷

چکیده

عدم توجه به ماهیت پیدا و پنهان نهاد مجازات در واکنش به جرائم آبی، به‌ویژه آثار اجتماعی آن در ابعاد فرهنگ و فناوری قدرت، کارآمد بودن مجازات انعکاس یافته در آرای قضایی پیرامون این جرایم را با چالشی بزرگ روبرو ساخته است. از این رو، تلاش در راستای، تبیین پیامدهای اجتماعی این نهاد، گامی ارزشمند در مدیریت منابع آب با بهره‌گیری از ظرفیت نهاد کیفر به شمار می‌رود. پژوهش حاضر که با روش تحلیل توصیفی-استنتاجی صورت پذیرفت است، حکایت از آن دارد که غالب محاکم کیفری حوزه دشت سیستان، توجه لازم به ابعاد جامعه‌شناختی پیرامون جرائم آب ندارند. بعلاوه، کارکرد مجازات‌های تعیین‌شده، بیشتر در مسیر مشروعیت، بقا و تداوم حکمرانی حاکمیت در دورترین نقاط جغرافیایی قابل تحلیل است. همچنین، عدم توجه به مشکلات اقتصادی، آداب و رسوم اجتماعی، میزان تطابق مجازات با انتظارات جامعه سیستان ممکن است، ضمن تنزل حساسیت افکار عمومی نسبت به اهمیت این جرائم، زمینه قانون‌گریزی شهروندان را نیز فراهم سازد.

کلیدواژه: جامعه‌شناختی مجازات، مجازات و انسجام اجتماعی، قدرت و فناوری مجازات، جرائم آب.

مجازات یکی از ابزارهای مهم برای مقابله با جرائم آبی به شمار می‌رود که در عین حال که ممکن است، دارای اهداف آشکاری باشد، کارکردهای پنهان و ناشناخته‌ای را نیز به دنبال داشته باشد. این دسته از کارکردها، که از آن به عنوان جامعه شناختی مجازات یاد می‌شود، بخشی از ماهیت نهاد مجازات را شامل می‌گردد. در این راستا، باید بر این نکته تأکید کنیم که عدم آگاهی از ماهیت این نهاد از بعد جامعه‌شناختی، صیانت از منابع آب را بر اساس ظرفیت مجازات با چالش جدی روبرو می‌سازد؛ چراکه هم تنزل کارآمدی مجازات در پیشگیری از جرائم آبی را به دنبال دارد و هم می‌تواند به گسترش بهره‌برداری غیرقانونی از منابع آب به‌ویژه در مناطق بحرانی دامن بزند. بدون تردید، مجازات در حوزه آب پیچیدگی‌های خاص خود را دارد؛ زیرا در جرایم آبی، ضرر جمعی کمتر از ضرر فردی احساس می‌شود و این مسئله منجر به آن می‌شود که اهمیت جرائم آبی چندان درک نگردد (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۷). از طرفی، گسترش روزافزون جرائم آبی از قبیل؛ حفاری‌های غیرمجاز، استفاده غیرقانونی از شبکه انتقال آب، انشعاب غیرمجاز و ... نشان می‌دهد که ضروریات، مقدمات و معیارهای تعیین مجازات مناسب پیرامون این جرائم، مورد واکاوی و توجه لازم قرار نگرفته و دستگاه قضایی با چالشی اساسی مواجه گردیده است؛ به‌گونه‌ای که واکنش‌های رسمی صورت گرفته به دلیل عدم توجه به واکنش‌های اجتماعی هر منطقه، از پتانسیل لازم برای کاهش این جرائم برخوردار نبوده است.

بنابراین، مجازات مناسبی که از شاخص‌های علمی و در تطابق با افکار عمومی جامعه برخوردار باشد، می‌تواند در کنترل کمی و کیفی جرائم آب تأثیرگذار باشد؛ لذا، تحلیل جامعه‌شناختی مجازات در حوزه آب هم از حیث تحلیل قوانین و مقررات موجود و هم از حیث عرف و آداب‌ور سوم اجتماعی و رفتارهای جمعی م صرف‌کنندگان و حتی متولیان حفاظت از آب در ارتکاب جرائم و تخلفات بسیار حائز اهمیت است و یکی از ملزومات مقدماتی برای تحلیل کارآمدی مجازات‌های انعکاس یافته در آرای قضایی به شمار می‌رود. از این‌رو، پژوهش‌های میدانی در مقیاس حوزه قضایی یک منطقه، امکان تحلیل‌های نزدیک به واقعیت را بهتر فراهم می‌سازد چراکه اولاً- وضعیت آبی هر منطقه متفاوت سایر مناطق کشور است و دوماً- هر جامعه‌ی آداب، فرهنگ و رسوم مختص به خود را دارد. بنابراین بهتر می‌تواند به اهمیت نهاد مجازات در صیانت از منابع آب کمک شایانی نماید.

در چارچوب این دیدگاه، پژوهش حاضر به بررسی جامعه‌شناختی مجازات پیرامون جرائم آب در دشت سیستان که یکی از مناطق بحرانی آب در کشور است به شمار می‌رود، می‌پردازد. جامعه سیستان اعم از مصرف‌کنندگان، مسئولان و متولیان حوزه آب، به ارزش آب و درک فقدان آن در این منطقه واقف هستند. با این حال، گسترش جرائم آب در این منطقه که مصداقاً عمدتاً رفتارهای مخرب گوناگونی، از جمله تأمین آب از خطوط لوله، سرقت آب، م صرف غیرمجاز از شبکه و م صدادیق مجرمانه دیگری را شامل می‌گردد (Katja Eman, Saša, 2017: 106)، ضرورت بهره‌گیری از نهاد مجازات را برای مقابله با این جرائم دوچندان کرده است. در این راستا، باید به بررسی گفتمان‌های علمی پیرامون مبانی جامعه‌شناختی مجازات که نمودهای مختلفی دارد و گاه در قالب نظریه مجازات و انسجام اجتماعی امیل دور کیم و نظریه مجازات و نظارت طبقه‌ای مارکسیسم و گاه در قالب نظریه مجازات، فناوری قدرت و قاعده‌مندی فو کو جلوه‌گر می‌شوند (مارشایان:

۱۳۹۴، ۱۹۰)، پرداخته شود. البته، مراد از تحلیل جامعه‌شناختی مجازات در پژوهش پیش رو، تحلیل جامعه‌شناختی مجازات‌های تعریف‌شده در قانون توزیع عادلانه آب و آرای قضایی حوزه دشت سیستان، بر اساس نظریات جامعه‌شناختی؛ انسجام فرهنگی، فناوری قدرت و مارکسیسم خواهد بود.

جستار حاضر به دنبال طرح این مسئله است که اساساً نهاد مجازات در حوزه آب به کدام یک از مبانی نظری جامعه‌شناختی نزدیک‌تر است و چه کارکردهای اجتماعی دارد؟ آیا دستگاه قضایی با درک و وقوف به اهمیت مقابله با جرائم آب در حوزه دشت سیستان، به معیار مناسبی برای تعیین واکنش کیفری کارآمد پیرامون جرائم آب، مطابق با مبانی جامعه‌شناختی مجازات دست‌یافته است؟

برای پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، ابتدا به بررسی مبانی نظری غالب پیرامون جامعه‌شناختی مجازات می‌پردازیم، این رویکرد، کمک خواهد کرد تا تحلیلی واقع‌بینانه از نهاد مجازات در قانون توزیع عادلانه آب که قانون حاکم در بخش آب کشور است داشته باشیم. بعلاوه، دستیابی به تحلیلی قابل‌اتکا از مجازات پیرامون جرائم آب از منظر جامعه‌شناختی مجازات، نیازمند بررسی نمونه‌هایی از آرای قضایی است. بدین ترتیب، در گام دوم، مواد مربوط به مجازات جرائم آبی را در قانون توزیع عادلانه آب را از منظر نظریات جامعه‌شناختی کیفر که در سطور بالا به آن اشاره شد، موردتوجه و به تحلیل نمونه‌هایی از آرای قضایی می‌پردازیم که چگونه عدم توجه به مبانی جامعه‌شناختی کیفر در مرحله تعیین مجازات می‌تواند به تنزل کارآمدی کیفر در این حوزه منجر گردد. علاوه بر این، شناخت علل جامعه‌شناختی ناکارآمد بودن مجازات در کاهش جرائم آبی به‌ویژه گسترش بهره‌برداری‌های غیر مجازآب، تأثیر بسزایی در دستیابی به تعیین معیاری مناسب برای تدوین مجازات علمی و کارآمد هم در مرحله قانون‌گذاری و هم در مرحله اعمال کیفر از سوی دستگاه قضایی دارد. به همین دلیل، در بخش پایانی تلاش بر این بوده است که مهم‌ترین علل قانونی، اجتماعی و اجرایی که زمینه را برای تضعیف نهاد مجازات در مقابله با جرائم آب فراهم می‌سازد، موردبررسی قرار گیرد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، با توجه به موضوع آن با روش تحلیل توصیفی - استنتاجی صورت می‌پذیرد و هدف کاربردی، جهت شناخت و تحلیل جامعه‌شناختی مجازات در حوزه آب را دنبال می‌کند. در حقیقت، این پژوهش از طریق کنکاش در مجازات انعکاس یافته در آرای قضایی جرائم آب در حوزه دشت سیستان تلاش دارد تا با بهره‌گیری از مبانی نظری جامعه‌شناختی، به تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی جرم‌انگاری و مجازات‌انگاری‌های موجود و همچنین پیامدهای اجتماعی که این آرا می‌تواند در حوزه آب به دنبال داشته باشد، پردازد. بدین منظور، مناسب‌ترین روش، برای عینیت بخشیدن به تحقق اهداف این پژوهش، تحلیل آرای قضایی با تلفیق دو روش تحلیل توصیفی^۱ و استنتاجی^۲ است. در تحلیل استنتاجی از اطلاعات جمع‌آوری‌شده (آرای قضایی) استفاده می‌شود و این تحلیل در بررسی مفاهیم و وسیع‌تر به کار می‌رود (کرو، لین، ترجمه واعظی، ۱۳۹۴: ۲۱۴). همچنین،

^۱-Descriptive analysis

^۲- Inferential analysis

در روش تحلیل توصیفی، همان‌گونه که از نام آن پیداست تلاش خواهد شد و وضع موجود یک پدیده یا شیء یا اتفاق خاص بررسی و توصیف گردد (مستخدمین حسینی، ۱۳۹۴: ۵۷). براین اساس، تلاش شده است تا آرای قضایی مرتبط با جرائم آب در حوزه دشت سیستان، طی دوره معین جمع‌آوری گردد. سپس با توصیف مجازات‌های انعکاس یافته، به تحلیل جامعه‌شناختی کیفر در این زمینه پرداخته شود.

۱- مبانی نظری جامعه‌شناختی مجازات در جرائم آب

در چهارچوب پژوهش حاضر، شناخت مبانی نظری جامعه‌شناختی مجازات در حوزه آب برای تحقق سه ضرورت تحلیلی اهمیت بنیادین دارد: نخستین ضرورت، شناخت رویکرد جامعه‌شناختی قانون‌گذار در حوزه مجازات انگاری پیرامون رفتارهای مخرب علیه منابع آب است. دومین ضرورت، تحلیل رویکرد جامعه‌شناختی پیرامون مجازات در زمینه آب از دیدگاه قضات محاکم حوزه سیستان که در قالب آرای قضایی انعکاس یافته است. سومین ضرورت، توجه به عرف و آداب و رسوم اجتماعی حوزه سیستان در مرحله تعیین کیفر به منظور شناسایی آثار مجازات بر نگرش جامعه محلی در اثر گذاری بر کاهش ارتکاب جرایم و تخلفات حوزه آب می‌باشد. در این راستا، تفکیک دیدگاه‌های جامعه‌شناسان پیرامون دانش جامعه‌شناختی مجازات در زمینه جرائم آب، دربرگیرنده تمایز تحلیلی میان سه دیدگاه شاخص جامعه‌شناختی مجازات یعنی نظریه مجازات و انسجام اجتماعی امیل دورکیم، نظریه مجازات و نظارت طبقه‌ای مارکسیسم، و نظریه مجازات، فناوری قدرت و قاعده مندی فوکو است. نظریه مجازات و انسجام اجتماعی که از آن به‌عنوان نظریه کارکردگرا مجازات نیز یاد می‌شود، به بیان این استدلال می‌پردازد که نهاد کیفر، واکنش غیر ارادی اجتماع در برابر نابهنجاری و تهاجم به ارزش‌ها تلقی می‌شود. در حقیقت، این نگرش بر این نکته تأکید دارد که مجازات یک دفاع طبیعی در برابر نقض اخلاقیات به شمار می‌رود (جوان جعفری، ساداتی، ۱۳۹۲: ۱۰۹). امیل دورکایم به عنوان یکی از پیشگامان و معتقدان به نظریه انسجام اجتماعی در حوزه مجازات، در تبیین این باور علمی بیان می‌دارد: " مجازات اساساً عبارت است از واکنش عاطفی، با شدت معین که جامعه از طریق هیات سازمان یافته‌ای در برابر آن دسته از اعضایش که از برخی قواعد کارکردی معین تخطی کرده اند ابراز می‌دارد" (دورکایم، ۱۳۹۲: ۹۰). به باور وی، نهاد مجازات به تقویت هنجارهای اخلاقی جامعه کمک می‌کند؛ و باز نمای نظم اخلاقی جامعه تلقی می‌گردد که ماهیت آن، ابراز انزجار اخلاقی است (مارشیان، ۱۳۸۴: ۲۰۶). به همین جهت، از نگاه این اندیشمند نهاد مجازات وابسته به اراده فرد نیست. لذا اگر در جامعه‌ای انواع خاصی از مجازات وجود دارد، ریشه آن را باید در ساختار جامعه و روابط میان اجزای آن جامعه مورد کنکاش قرار داد (حسینی، رستمی غازی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). بدین ترتیب در چارچوب نظریه انسجام اجتماعی، مجازات پیرامون جرایم آب به نوعی واکنش اجتماعی جامعه در مقابل رفتارهایی است که اخلاقیات مرتبط با محیط زیست آبی را مخدوش کرده است. بنابراین، نقش نهاد قانون‌گذاری و نهاد دادگستری به عنوان ارکان حاکمیت این است که به نمایندگی از جامعه، این واکنش اجتماعی را به مجرمین انتقال می‌دهد و از این طریق احترام به ارزش‌های جامعه را یادآوری می‌کند. در تقابل با این رویکرد جامعه‌شناختی به مجازات، نظریه فناوری قدرت قرار دارد که معتقد است نهاد مجازات از کارکردهای پنهان مختلفی برخوردار است و ارتباط مستحکم و عمیقی میان مجازات و مناسبات قدرت قابل مشاهده است (جوان جعفری بجنوردی،

ساداتی، ۱۳۹۶: ۴۸). بدین توضیح که در چارچوب این نظریه، حاکمیت سیاسی جامعه از طریق بزه انگاری و مجازات انگاری تلاش دارد مشروعیت، بقا و تداوم خویش را در جامعه از طریق مبارزه با جرائم مختلف از جمله جرائم آب، به جهت صلاحیت انحصاری در تحمیل کیفر نسبت به اشخاص و پاسخ دهی به انتظارات افکار عمومی از حاکمیت، برای حل و فصل اختلافات و دعاوی، توسعه دهد. علاوه بر این، قدرت از طریق مجازات به تولید هنجارهای رسمی مورد نظر خود می پردازد. به خصوص در جوامعی که از انسجام اجتماعی مناسب و کافی برخوردار نیستند، گروه های حاکم از طریق مجازات انگاری در واکنش به رفتارهایی که آن را ممنوع تعریف می کنند، به تولید هنجارهای رسمی مورد نظر خود می پردازند.

دیگر دیدگاه جامعه شناختی در حوزه مجازات، نظریه مجازات و نظارت طبقه ای مارکسیسم است. این نظریه بر این پیش فرض استوار است که مجازات ابزاری برای کنترل جامعه به شمار می رود و بیان می دارد که نظام سرمایه داری رفتار سایر گروه های ضعیف جامعه را جرم انگاری و با تحمیل مجازات، جامعه را در مسیر اهداف خود قرار می دهد (Abadinsky & Winfree, 2003: 222). در چارچوب این رهیافت، نهاد مجازات و قانون بازتاب دهنده منافع اقتصادی گروه های حاکم بر جامعه قلمداد می گردد. در این خصوص، گارلند بر این نکته تاکید دارد که تحلیل مارکسیستی مجازات بر تصور مبارزه یا کشمکش طبقاتی و شیوه های که از طریق آنها روابط بین طبقات اجتماعی نوع مجازات در یک جامعه به خصوص را شکل می دهند تمرکز دارد. به واقع، نهاد مجازات به عنوان ابزاری برای کنترل گروه های ضعیف و تولید ثروت برای گروه های حاکم عمل می کند (مارشایان، ۱۳۹۲: ۲۰۸). بدین ترتیب، نهاد مجازات در حوزه آب بر اساس نظریه مارکسیسم تامین کننده منافع نظام سرمایه داری برای تولید ثروت بیشتر از طریق گسترش صنایع مختلف از جمله صنعت، کشاورزی، دامداری و غیره به شمار می رود. توضیح آنکه گروه های مسلط بر جامعه به وسیله جرم انگاری رفتارهای مخرب که در تضاد با منافع آنان قرار دارد، رفتار سایر مصرف کنندگان منابع آب را تحت کنترل قرار می دهند.

با این حال، شناسایی واقعیت های پیدا و پنهان نهاد کیفر در حوزه جرائم آب، نیازمند تحلیل واقع بینانه از جرم انگاری و مجازات انگاری های صورت گرفته در قوانین موجود می باشد. این بررسی به خوبی نشان می دهد که قانون گذار کدام رهیافت جامعه شناختی در حوزه مجازات را سر لوحه مجازات انگاری قرار داده است. با این رویکرد به بررسی این نهاد در قانون توزیع عادلانه آب می پردازیم.

۲- رویکرد جامعه شناختی قانون گذار به مجازات پیرامون جرائم آب

یکی از پیچیدگی های مهم واکنش قهرآمیز در مقابله با جرایم آب، عدم ریشه یابی علل ناکارآمدی مجازات و یا کارایی نازل آن در کاهش جرایم این حوزه است. ناکارآمدی یودن مجازات در پیشگیری از جرایم آب می تواند، مدیریت بهینه منابع آب را دچار اختلال سازد و به گسترش غیر قانونی بهره برداری از آن منتهی گردد. در چنین حالتی، ضرورت دارد مجازات این جرایم را از ابعاد مختلف مورد بررسی و تحلیل علمی قرار گیرد. یکی از راهکارهای بررسی همه جانبه در این مسیر، پرداختن به گونه های جرم انگاری شده رفتارهای مخرب علیه منابع آب و تحلیل ابعاد جامعه شناختی مجازات های تعریف شده در قوانین موجود است.

از این رو، به نظر می رسد، بررسی هر چند مختصرگونه های جرایم آب در قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ که در حال حاضر، بیشترین کاربرد را در نظام حقوقی کشور دارد، ضروری اجتناب ناپذیر به شمار می رود؛

به جهت آنکه بدون تردید، اقتضای هرگونه تحلیل برای شناسایی علل نازل بودن کارآمدی مجازات در حوزه جرایم آب، پرداختن به جرایم و مجازات های که در قوانین تعریف شده است. زیرا ابتدا باید تبیین گردد که قانون گذار کدام رفتارها را جرم انگاری کرده است و به تبع، چه مبانی جامعه شناختی را در حوزه مجازات به دلیل تعلق به اصول و مبانی آن، مدنظر قرار داده است؛ توضیح آنکه، در فرآیند جرم انگاری و مجازات انگاری در حوزه آب، قانون گذار علاوه بر اهداف نمایان، تلاش دارد تا اهداف پنهان مدنظر خود را نیز دنبال نماید. درک این اهداف پنهان پیرامون جرایم آب، ممکن است ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با نا کارآمدی کیفر در کاهش بهره برداری غیر قانونی از منابع آب داشته باشد.

۱-۲- رویکرد جامعه شناختی مجازات به جرائم آب در قانون توزیع عادلانه آب

قانون توزیع عادلانه آب یکی از شاخص ترین قوانین این حوزه بعد از انقلاب به شمار می رود. این قانون که در راستای اصل ۴۵ قانون اساسی به تصویب رسیده، و در حال حاضر، به عنوان قانون حاکم در بخش آب کشور محسوب می گردد. هر چند در برخی از قوانین بعدی، نظیر قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در خصوص آب، مقرراتی تدوین و تصویب شده است؛ لیکن، قانون توزیع عادلانه آب مبنا و اساس نظام حقوقی آب کشور است و مبانی تامین، انتقال و تخصیص آب برای مصارف مختلف و بطور کلی مدیریت منابع آب کشور به استناد قانون مذکور انجام می شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۵۵).

بررسی مواد این قانون نشان می دهد که عمدتاً به مسائل مربوط به مالکیت منابع آب، بهره برداری و حفاظت از این منبع ارزشمند پرداخته است (خداخواه، نوربخش، ۱۳۹۷: ۲۸). و برقراری نظام توزیع عادلانه آب به عنوان راهبرد و هدف اصلی این قانون به شمار می رود (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۲: ۴۶). با این حال، از آنجا که در تصویب هر قانونی انتظار جامعه بر آن است که تصویب کنندگان قوانین مسیر و سرانجام اجرای آن را ببینند تا بدین وسیله، ادعای آنان در خصوص این که همه جوانب و آثار و عواقب اجرای این قانون را مورد توجه قرار داده اند، مورد پذیرش قرار گیرد (بدیسار و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۶)، تلاش داریم تا جرم انگاری های و مجازات انگاری های صورت گرفته در قانون صدر الذکر برای مقابله بار رفتار های مخرب در این حوزه را که در فصل پنجم این قانون ذیل ماده ۴۵ پیش بینی شده و به واقع، نمای کلی از گونه های جرایم آبی کشور ارائه می دهد، از بعد جامعه شناختی مجازات مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. این تحلیل، زمینه را بر شناسایی مبانی جامعه شناختی مجازات در این قانون را فراهم می سازد.

در این راستا، ماده ۴۵ این قانون اشعار می دارد:

« اشخاص زیر علاوه بر اعاده و وضع سابق و جبران خسارت وارده به ۱۰ تا ۱۵ ضربه شلاق و یا ۱۵ روز حبس تادیبی برحسب موارد جرم به نظر حاکم شرع محکوم می شوند.

الف- هر کس عمداً و بدون اجازه در پیچه یا مقسمی را باز کند یا در تقسیم آب تغییری دهد یا دخالت غیر مجاز در وسائل اندازه گیری آب کند یا به نحوی از انحاء امر بهره برداری از تاسیسات آب را مختل سازد.

ب- هر کس عمداً آبی را بدون حق یا اجازه مقامات مسئول به مجاری یا شبکه آبیاری متعلق به خود انتقال کند و یا موجب گردد آب حق دیگری به او نرسد.

ج- هر کس عمداً به نحوی از انجا به ضرر دیگری آبی را هدر دهد.

د- هر کس حق دیگری را بدون مجوز قانونی تصرف کند.

ه- هر کس بدون رعایت مقررات این قانون به حفر چاه و یاقنات و یا بهره برداری از منابع آب مبادرت کند.

تبصره- در مورد بند های ب و ج و د با گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف می شود.

پیش از آنکه به تحلیل جامعه شناختی نهاد مجازات در این قانون بپردازیم، بایستی بر این نکته تأکید نمایم که ارزیابی کارآمد بودن مجازات در حوزه کنترل جرائم آبی یکی از مهمترین مسایل است که ضرورت دارد در حذف یک مجازات و یا وضع مجازات جدید مورد توجه قرار گیرد. بدون تردید، هر گونه تغییر در مجازات انگاری جدید پیرامون جرائم آبی، نیازمند آن است که اولاً- بایستی کارنامه روشنی از آثار و نتایج مجازات سابق را مد نظر قرار دهیم و ثانیاً یک ارزیابی جدید از مجازات جایگزین صورت گرفته باشد. این راهبرد، مطالعات جامعه شناختی ما را در مسیر شناخت آثار کیفرها و میزان موفقیت در دستیابی به اهداف یاری می رساند (مبین، ۱۳۸۷: ۷۵). پیش فرض تحلیل جامعه شناختی مجازات های پیش بینی شده در این قانون، مبتنی بر مطالعه واکنش های جامعه در مقابل جرایم آبی قرار دارد که با توجه یا نظام سیاسی وایدئولوژیک کشور از ویژگی های منحصر به فرد، برخوردار است. بدین توضیح که در هر کشوری متناسب با نظام سیاسی حاکم بر آن، مجازات می تواند حالت های مختلفی به خود بگیرد که در حقیقت انعکاس سلیقه قانونگذار و انتخاب های وی در انواع جرائم و مجازات به شمار می رود (اردبیلی، ریاضت: ۴۵، ۱۳۹۴). همانطور که در سطور بالا اشاره شد، رهیافت های علمی متعددی در خصوص تبیین جامعه شناختی مجازات، از نظریه انسجام اجتماعی دور کایم گرفته تا دیدگاه های فوکو و مارکسیسم و... ارائه گردیده است. با این حال، یک پرسش اساسی به اذهان متبادر می شود که نهاد مجازات در قانون توزیع عادلانه آب با کدام یک از مبانی علمی جامعه شناختی مجازات قرابت بیشتری دارد؟ به عبارت دیگر، آیا میزان ۱۰ تا ۱۵ ضربه شلاق و یا ۱۵ روز حبس تادیبی مندرج در ماده ۴۵ این قانون، همان واکنش بر خواسته از بطن جامعه ایران می باشد که دورکایم از آن به عنوان واکنش طبیعی جامعه در قبال پدیده مجرمانه یاد می کند و نقش حاکمیت را انعکاس این واکنش می پندارد و یا اینکه نهاد مجازات در این قانون، یک ابزار در اختیار حاکمیت در جهت حفاظت از منافع طبقات خاص مطابق با نظریه مارکسیسم پنداشته می شود. البته تحلیلی دیگر نیز در این زمینه امکان پذیر است که به نوعی ارتباط با مشروعیت، بقا و دوام حکمرانی حاکمیت در حوزه آب، و در چارچوب نظریه قدرت دارد.

به منظور یافتن پاسخ به بررسی ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب میپردازیم، قانون گذار در این ماده مقرر داشته است که بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی، کلیه آب ها موجود از مشترکات عمومی به شمار می رود. یعنی آب متعلق به آحاد جامعه است. با این حال، این قانون برای دولت نقش نظارتی و مدیریتی در این عرصه، مطابق با

مصالح عامه در نظر گرفته است. اما چالش برانگیزترین نکته در این ماده به نقش دولت در حوزه نظارت و مدیریت منابع آب باز می‌گردد؛ اینکه آیا حاکمیت برای انجام وظایف محوله به ویژه اعمال مجازات در واکنش به جرایم آبی، مطابق با خواست جامعه عمل می‌کند و بازتاب دهنده اراده جمعی جامعه خواهد بود، یا اینکه نظارت و اعمال حاکمیت بر اساس نظام ایدولوژیک حاکم بر کشور صورت می‌گیرد. جهت درک کامل این نقش و تحلیل صحیح از جامعه شناختی مجازات‌های تعریف شده در این قانون به بررسی صدر ماده ۴۵ می‌پردازیم، تا شباهت‌های نهاد مجازات را در این مقرر قانونی با نظریه‌های جامعه‌شناختی را مورد واکاوی تحلیلی قرار دهیم. آنچه که در مقرر این ماده مشاهده می‌شود، حکایت از آن دارد که مجازات تعریف شده، واکنش طبیعی جامعه ایران به جرایم آبی، به نحوی که دورکایم به آن اعتقاد داشت، به شمار نمی‌رود. زیرا، روحیه جمعی سازنده یک جامعه است، این روحیه، شخصیت جامعه را می‌سازد. از این رو، جامعه امری حقیقی است که از ترکیب من انسان‌ها با یک دیگر شکل گرفته است و این فرهنگ، منبع واکنش جامعه به رفتارهای مجرمانه به شمار می‌رود (رجبی، ۱۳۹۸: ۲۷۷). به دلیل ملاک بودن این شاخص‌ها، اولاً، جامعه ایران، بدلیل تکثر فرهنگی و وجود ادیان و مذاهب مختلف که اصل ۱۹ قانون اساسی نیز به آن تصریح دارد، جامعه‌ی واحد و منسجم نمی‌باشد، و دوماً- اعطای اختیار ویژه به قاضی شرع در انتخاب میان حبس و شلاق به عنوان واکنش رسمی به جرایم آبی که در صدر ماده ۴۵ این قانون تصریح شده است، به وضوح نشان می‌دهد مجازات در این حوزه به شدت متأثر از ایدولوژیک حاکم بر قدرت است. به واقع، رویکرد شرعی مجازات در حوزه آب جلوه‌گیری بیشتری دارد. بنابراین مشابهنه چندانی با مبانی نظریه انسجام اجتماعی دورکایم ندارد. از طرفی، به نظر می‌رسد، نهاد مجازات در این قانون، سنخیت و قرابتی با با نظریه جامعه‌شناختی مارکسیسم نیز نداشته باشد؛ چرا که در چارچوب این دیدگاه، مجازات ابزاری برای تامین و حفاظت از منافع گروه خاص بیان شده است؛ در حالیکه قانون‌گذار به صراحت در ماده یک این قانون، نقش دولت در حوزه آب را رعایت مصالح عامه تعریف کرده است. به عبارت دیگر، مجازات در حوزه آب تامین‌کننده منافع عموم و فارغ از هر گونه وابستگی به طبقه حاکم بر کشور می‌باشد.

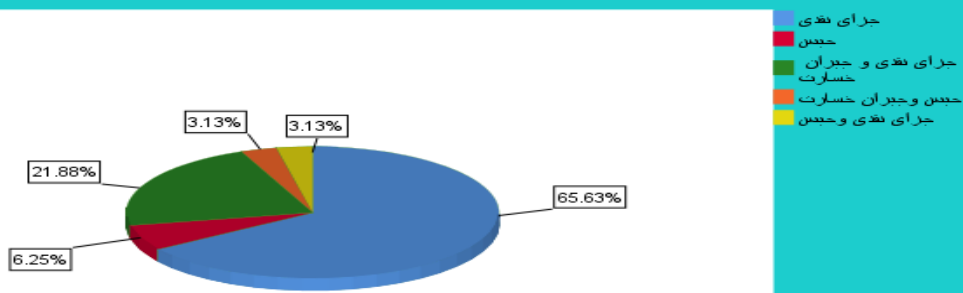
اما مجازات می‌تواند یک تکنیک کاملاً عقلانی برای تداوم و حتی تولید قدرت به کار گرفته شود (ساداتی، جوان جعفری، ۱۳۹۴: ۱۴). بدین مفهوم که حاکمیت سیاسی حاکم بر هر جامعه که از آن به قدرت تعبیه می‌شود، همواره به ظرفیت نهاد مجازات‌های رسمی به جهت خصوصیت قهرآمیز بودن و توجیه‌پذیری نزد افکار عمومی، نگاهی متمایز و ویژه دارد. به این دلیل که جامعه دستگاہ قضایی را به‌عنوان نماینده خود می‌پندارد و قدرت با آگاهی از این باور ذهنی، به اعمال مجازات در واکنش به جرائم آب می‌پردازد. دستاورد این سیاست برای قدرت بسیار حیاتی و گران‌سنگ است؛ زیرا، اولاً- مجازات باعث مشروعیت سیاسی حاکمیت به دلیل انحصار در اعمال آن می‌شود؛ دوم، مجازات به قدرت این امکان را می‌دهد که بقا، دوام و مشروعیت خود را بر پایه قدرت تنبیهی در مسیر اطاعت‌پذیری شهروندان حتی در دورترین نقاط جغرافیای سرزمینی خود از طریق تحمیل مجازات، تداوم ببخشد، و در نتیجه سلطه قدرت از این طریق بازتولید می‌گردد. بنابراین، با توجه به استدلال‌های ارائه شده، به نظر می‌رسد، مجازات در حوزه آب از بعد جامعه‌شناختی قرابت بیشتری با معیارهای نظریه قدرت داشته باشد.

۳- کارکردهای جامعه‌شناختی مجازات انعکاس یافته در آرای قضایی

بعد دیگر پژوهش حاضر، ارائه تحلیلی کاملاً جدید، پیرامون تأثیرات اجتماعی مجازات انعکاس یافته در آرای قضایی حوزه سیستم است. در این زمینه، گارلند بیان می‌دارد: دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، مجازات را یک نهاد پیچیده اجتماعی می‌دانند که توسط مجموعه‌ای از نیروهای اجتماعی و تاریخی شکل گرفته و دارای طیف وسیعی از تأثیرات است که فراتر از جمعیت مجرمان است (Garland, 1991: 115). بدون تردید، همان‌قدر که جرم یک واقعیت اجتماعی پیچیده است و از عوامل متعدد تأثیر می‌گیرد، به همان اندازه و حتی شاید بیشتر، کیفر نیز واقعیتی اجتماعی به شمار می‌رود که در آثار گسترده‌ای بر اجتماع می‌گذارد و از عوامل مختلف تأثیر می‌پذیرد (مبین، ۱۳۸۷: ۷۹). از این رو، برای درک نقش و تأثیرات اجتماعی این نهاد نباید تنها به محتوای رسمی آن بسنده کنیم، بلکه ضرورت دارد به آثار آن در اجتماع توجه بیشتری گردد (Rachel, C. & Peter, S. 2018:2)؛ بنابراین، مجازات در حوزه آب از یک زاویه می‌تواند واکنشی کاملاً ناخودآگاه تلقی شود که از مسیر حکومت سیاسی و به نمایندگی از جامعه رسمیت می‌یابد؛ اما هم‌زمان می‌تواند یک تکنیک کاملاً عقلانی برای تداوم و حتی تولید قدرت به کار گرفته شود (ساداتی، جوان جعفری، ۱۳۹۴: ۱۴).

با این حال، در بحث پیرامون تحلیل جامعه‌شناختی مجازات انعکاس یافته در آرای قضایی پیرامون جرائم آب، در دشت سیستم تلاش‌ها بر پیوند مبانی نظری و مقایسه‌پذیری با داده‌های میدانی برگرفته شده از آرای قضایی در حوزه سیستم، تمرکز یافته است. بر این اساس، سعی بر آن بوده است که آرای اکثر شعب کیفری حوزه دشت سیستم مورد مطالعه قرار گیرد. در مجموع حدوداً ۴۳ پرونده ثبت‌شده از سال ۱۳۹۵ تا فروردین سال ۱۴۰۰ گردآوری گردید.

شکل شماره ۳: فراوانی و درصد متغیر گونه‌های مجازات جرائم آب در آرای قضایی



نمودار شماره ۱، فراوانی گونه‌های مجازات جرائم آب را در آرای قضایی دشت سیستم را نشان می‌دهد. جزای نقدی، ترکیب جزای نقدی- خسارت و مجازات حبس بیشترین گونه‌ها را تشکیل می‌دهند. این الگو از تنوع مجازات، از منظر مبانی جامعه‌شناسی کیفری، دارای تأثیرات یکسان نیستند، در ادامه به تحلیل گونه‌های مجازات از بعد نظریات انسجام اجتماعی و فناوری قدرت از منظر جامعه‌شناسی پرداخته خواهد شد.

۳-۱- قدرت و فناوری مجازات در جرائم آب

همان‌طور که در سطور بالا بدان اشاره گردید، نهاد مجازات در مشروعیت سیاسی، بقا و تداوم قدرت سیاسی هر جامعه‌ای نقش کلیدی ایفا می‌کند. باین‌حال، بستر تحقق این امر در جرائم آب، منوط به تقویت حساسیت افکار عمومی در جدی‌انگاری جرائم این حوزه و تبعیت از مقررات تعیین‌شده خواهد بود. بدون تردید، تعیین مجازات‌های نامناسب در فرآیند قانون‌گذاری و قضایی، ناخواسته قباحت ارتکاب این جرائم را نزد افکار عمومی جامعه به‌شدت دستخوش تغییرات مخرب قرار می‌دهد و نظام حقوقی در مقوله اطاعت پذیر کردن جامعه در حوزه آب با چالش جدی روبرو می‌سازد. برای نمونه، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۵۴۴۰۶۰۳۱۰ مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۱ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهر زهک نشان می‌دهد که دادگاه صادرکننده رأی، مجرم را به اتهام انشعاب غیرمجاز آب به تحمل حبس به مدت پنج روز محکوم کرده است. این محکومیت به‌ویژه در سطح جامعه محلی سیستان که فرهنگ طایفه‌گرایی و قومیت‌گرایی در آن پررنگ است، به‌شدت بازتاب گسترده‌ای در خصوص میزان اهمیت این جرائم خواهد داشت. علاوه بر این، دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۵۴۷۷۷۰۰۴۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۳/۳ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شهر زابل که مجرم را در اتهام انشعاب و استفاده غیرمجاز از شبکه توزیع آب پس از محکومیت به پرداخت دو میلیون تومان جزای نقدی، مجازات تعیین شده را به مدت دو سال به حالت تعلیق درآورده، در این چارچوب قابل‌تحلیل است. به نظر می‌رسد، تعیین چنین مجازات‌هایی بر افکار عمومی جامعه تأثیر منفی می‌گذارد؛ چراکه افکار عمومی تبعیت از قوانین حوزه آب را کم‌اهمیت می‌پندارد، این امر به عادی‌انگاری جرائم آبی منتهی می‌گردد، پدیده‌ای که حتی می‌تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند (عدالت‌جو، جعفر پور صادق: ۱۳، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، نوع واکنش رسمی حاکمیت سیاسی که دستگاه عدالت به نمایندگی از آن، اقدام به اعمال مجازات می‌کند، بر افکار عمومی جامعه سیستان در جدی‌پنداری این جرائم و تبعیت از قوانین اثر می‌گذارد.

به‌واقع، قدرت از طریق مجازات، پیام میزان اهمیت احترام به مقررات آبی را به افکار عمومی انتقال می‌کند. این امر، میزان جدیت جرائم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قاضی نژاد، ذبیحی، ۱۳۹۴: ۱۳۷). از این‌رو، تعیین مجازات بدون توجه به اثرات آن، فرآیند اطاعت‌پذیری شهروندان از طریق تنبیه انضباطی را در حوزه آب تحت شعاع قرار می‌دهد و زمینه را برای به‌گسترش جرائم آب به جهت عدم جدی‌انگاری در نزد افکار عمومی فراهم می‌سازد و همچنین، به تضعیف حکمرانی آب از سوی حاکمیت در درازمدت مبدل می‌گردد.

۲-۳- کارکرد انسجام اجتماعی و فرهنگی مجازات انعکاس یافته در آرای قضایی

توجه به افکار عمومی در خصوص چگونگی برخورد با ناقضان هنجارهای جامعه در عرصه صیانت و مدیریت منابع آب در هر جامعه‌ای یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای مقابله هدفمند و علمی با جرائم آبی به شمار می‌رود. دوران‌دیشی و پیش‌بینی مقامات قضایی قبل از تعیین مجازات، از طریق برآورد انتظارات افکار عمومی متناسب با شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه در نحوه برخورد با مجرمین جرائم آبی، آنان را به سمت تعیین مجازات مناسب با توجه قوانین موجود و ابزارهای قانونی که قانون‌گذار در اختیار آنان قرار داده است، رهنمون می‌سازد. چراکه نهاد مجازات نوعی با مقوله فرهنگ قرابت نزدیک دارد تا جایی که برخی حقوق را نوعی فرهنگ انگاشته‌اند (Rosen, 2006: 4). در حقیقت، نظریه انسجام اجتماعی دورکایم اشاره به این مفهوم دارد که کیفر،

یک نیروی بر خواسته از وجدان جمعی است که به شکلی ناخودآگاه و برای پاسداشت از ارزش‌های جامعه خود را در قالب واکنش کیفری بروز می‌دهد (جوان جعفری بجنوردی، ساداتی، ۱۳۹۴: ۱۳). از این رو، به هر میزان که مجازات‌های تعیین شده در قوانین و به تبع آن انعکاس آن مجازات‌ها در آرای قضایی، انطباق بیشتری با فرهنگ بر خواسته از وجدان جمعی ساکنین دشت سیستان داشته باشد، نه تنها مردم خود به تبعیت از این قوانین و احکام تن می‌دهند، بلکه معترض نقض آن از سوی دیگران نیز خواهند شد (مرادی، ۱۳۹۸: ۲۷۳)؛ بنابراین، به هر میزان مجازات‌ها انعکاس یافته در آرای قضایی که در چارچوب قوانین صادر گردیده است با وجدان جمعی ساکنین منطقه سیستان انطباق بیشتری داشته باشد؛ این امر، به تقویت قانون‌پذیری در صیانت و استفاده بهینه از منابع آب از سوی جامعه کمک شایان می‌کند. در مقابل، عدم توجه دستگاه قضایی در مرحله کیفر به وجدان جمعی به ویژه در شرایط بحران کم‌آبی و معضلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن بسترهای قانون‌گریز را فراهم می‌سازد. پیامدهای گسترش فرهنگ قانون‌گریزی به شکل‌گیری پرونده‌های متعدد در مراجع انتظامی و قضایی، منتهی خواهد گردید. امری که هزینه‌های اقتصادی، امنیتی و اجتماعی به جامعه تحمیل خواهد کرد؛ لذا، شناسایی هنجارهای اجتماعی در حوزه آب در منطقه سیستان پیش از مرحله تعیین مجازات از سوی مقامات قضایی می‌تواند به کاهش ارتکاب این جرائم و گسترش فرهنگ قانون‌پذیری در زمینه آب، کمک شایانی نماید.

۴- علل جامعه‌شناختی ناکارآمدی مجازات پیرامون جرائم آب

بدون تردید، مجازات مناسب و صحیح در حوزه آب از شاخص‌هایی پیروی می‌کند که نشأت گرفته از یافته‌های علوم مختلف مانند جامعه‌شناختی پیرامون کیفر است. گسترش روزافزون جرائم آبی در نقاط مختلف کشور نشان می‌دهد، مجازات‌های فعلی از شاخص‌های علمی مناسب در مقابله با جرائم آبی بی‌بهره بوده است. به گونه‌ای که مجازات‌های صورت گرفته هیچ سنخیتی با وضعیت بحرانی کمبود آب ندارد. بعلاوه، توجه به حقوق عرفی در حوزه دشت سیستان، مهم‌ترین منبع در حوزه آب به شمار می‌رود چراکه ساکنین این منطقه، تمایل بیشتری به پایبندی بودن به آن از خود نشان می‌دهند. به همین دلیل، اگر مجازات انگاری پیرامون جرائم آب تا حد امکان با در نظر گرفتن انتظارات افکار عمومی صورت گیرد، فرآیند احترام به ارزش‌های رسمی و عرفی در این حوزه به سمت نهادینه شدن سوق خواهد یافت.

از طرفی، نگرش مقامات قضایی، افکار عمومی و متولیان حوزه حفاظت از منابع آب به خصوص در منطقه سیستان به شدت تحت تأثیر آموزه‌های فقهی قرار دارد. مباح بودن آب و حق استفاده برای احیای زمین و آبادانی که در روایات و احادیث مختلف به آن اشاره شده است، سبب کم‌اهمیت جلوه شدن جرایم آبی شده است. برای نمونه، روایت صحیحی از امام صادق (ع) نقل شده است که می‌فرمایند: «زمین از آن خداوند است و کسان نیست که آن را آباد کنند، چراکه خداوند انسان را به‌طور فطری به‌گونه‌ای خلق کرده است که زمین را آباد کنند». «هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها» یعنی، اوست که شمارا از زمین پدید آورد و شمارا به آبادانی آن واداشت (کریمیان، ۱۳۸۲: ۱۴۰). در این خصوص، محقق حلی فقیه برجسته، بیان داشته است، اصولاً تحقق احیا و آبادی زمین زراعی به دنبال جاری ساختن آب بر آن زمین معنا پیدا می‌کند (خداخواه، نوربخش، ۱۳۹۷: ۲۵)؛ بنابراین، یکی از راهکارهای تقویت کارآمدی مجازات، بهره‌گیری از ظرفیت آموزه‌های فقهی در حوزه سیستان به نظر می‌رسد.

توضیح آن‌که جامعه سیستان متشکل از دو مذهب تشیع و اهل سنت است. از این رو، علما دینی منطقه می‌توانند با تأکید بر احکام فقهی مشترک در حوزه آب مانند قاعده لا ضرر، اخلاق برادرانه اسلامی و دیگر آموزه‌های اسلامی، افکار عمومی را به سمت احترام به ارزش‌های رسمی در حوزه آب سوق دهند.

یکی دیگر از علل ناکارآمدی مجازات در حوزه آب در سیستان، به مقوله فقر، بیکاری و معیشت مربوط می‌شود، غالب افرادی که به رفتارهای غیرقانونی در عرصه آب رو می‌آورند، اساساً فاقد روحیه جامعه‌ستیزی هستند؛ بنابراین، گسترش طرح‌های اشتغالی که کمتر نیاز به مصارف آبی داشته باشد در کاهش جرائم آبی اثرگذار خواهد بود. البته باید به این نکته نیز تأکید کرد که به نظر می‌رسد، استفاده از مجازات‌های خفیف، نهاد تعلیق مجازات در دادنامه‌های صادرشده از سوی مقامات قضایی به این دلیل است که دادرسان، ریشه این جرائم را محرومیت اقتصادی حاکم بر منطقه می‌دانند و به‌نوعی رویکرد رأفت را مدنظر قرار می‌دهند.

هدف اصلی از بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی آرای قضایی در حوزه جرائم آب، تقویت ظرفیت‌ها و افزایش مبانی علمی مقامات قضایی در رسیدگی به پرونده‌های جرائم آب در منطقه دشت سیستان است. با توجه به این جهت‌گیری کلی، دیدگاه‌های جامعه‌شناسان در خصوص کارکرد‌های نهاد مجازات، گویای آن است که مجازات بدلیل پیچیدگی‌ها فراوانی که دارد، ماهیت آن به صورت کامل مورد واکاوی علمی قرار نگرفته است. با این حال، آنچه باعث مجاز شمردن این نهاد در حوزه جرائم آب می‌گردد و دستگاه قضایی بر بهره‌گیری از آن تأکید می‌ورزد؛ در حقیقت کارکرد‌هایی است که از اجرای آن انتظار می‌رود. برجسته‌ترین این آثار عبارتند: احیای ارزشهای مورد احترام جامعه در حوزه آب از طریق سرزنش اجتماعی خاطیان، تداوم مشروعیت حکمرانی آب توسط حاکمیت و دیگر موارد است. با این حال، تقویت کارآمدی مجازات در صیانت از منابع آب، نیازمند درک هوشمندانه مبانی نظری جامعه‌شناختی آن در چارچوب مقررات موجود و انعکاس کیفر در آرای صادره است. از این رو، درک مبتنی بر پیوند مبانی علمی و پژوهش‌های میدانی، و برهم‌کنش متقابل میان مبانی علمی قضات و عملکرد دستگاه عدالت کیفری در مبارزه با این جرائم اثر گذار خواهد بود.

پژوهش حاضر، برای نخستین بار به تحلیل جامعه‌شناختی مجازات جرائم آب در آرای قضایی حوزه دشت سیستان پرداخته است. بررسی نمونه آرای این حوزه نشان داد، نقاط مبهم و پیچیده در خصوص عملکرد دستگاه قضایی پیرامون توجه به آثار اجتماعی مجازات در عرصه جرائم آب وجود دارد. یکی از این نقاط، به عدم توجه مقامات قضایی شعب مختلف در تطابق مجازات‌های تعیین شده با انتظارات عمومی مربوط می‌گردد، پیامد این عدم توجه، مقوله صیانت از منابع آب را با استفاده ظرفیت نهاد مجازات با دشواری روبرو می‌سازد. همچنین، این پژوهش نشان داد که عدم توجه به بسترهای فکری، اعتقادی، اجتماعی و به‌طورکلی وجدان جمعی منطقه سیستان، در فرآیند جرم‌انگاری و به‌ویژه در مرحله تعیین کیفرممکن است، حساسیت افکار عمومی را نسبت به اهمیت هنجارهای رسمی جامعه در خصوص صیانت و بهره‌بردار پایدار از منابع آب را دستخوش تغییرات ناخوشایند قرار دهد. پیامد چنین وضعیتی ترویج فرهنگ قانون‌گریزی در سطح جامعه به دنبال خواهد داشت؛ این امر می‌تواند زنگ خطر در خصوص مشروعیت حکمرانی حاکمیت در حوزه مقابله با جرائم آب را به صدا درآورد. بعلاوه، توجه به حساسیت افکار عمومی نسبت به جرائم آب در مرحله صدور حکم، یکی از مغفول‌ترین ابعاد مجازات به شمار می‌رود، چراکه نهاد مجازات به‌واسطه نقشی که در بازتاب اهمیت هنجارهای اجتماعی مربوط به حوزه آب به افکار عمومی ایفا می‌کند، باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر بازدارندگی فردی و اجتماعی، در تقویت حساسیت افکار عمومی را نسبت به احترام به هنجارهای رسمی مرتبط با صیانت از منابع آب نیز نقش‌آفرینی داشته باشد.

- ۱- مارشایان (۱۳۸۴). جامعه شناسی مجازات. ترجمه: کریمی، محمد علی. دانش انتظامی. شماره ۲۴. ص ۲۱۰-۱۸۹
- ۲- حسینی، سید محمد؛ رستمی غازانی، امید (۱۳۹۷). جنبه های حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه شناسی مجازات. پژوهشنامه حقوق کیفری. ۹(۱). صص ۱۱۴-۸۹.
- ۳- دورکایم، امیل. (۱۳۹۲). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پر هام. چاپ پنجم. تهران: مرکز
- ۴- خداخواه، نسیم؛ نوربخش، امیر حسین. (۱۳۹۷). مبانی حقوق آب. چاپ اول. تهران: جاودانه. جنگل.
- ۵- ذوالفقاری، یوسف. (۱۳۹۵). حقوق آب. تهران: انتشارات مجد.
- ۶- بدیسار، سید ناصر الدین، صادق احمدی، سید محمد؛ راعی مسعود. (۱۳۹۶). نظام حقوقی آلودگی منابع آب در ایران. تحقیقات منابع آب ایران. ۱۳(۱). صص ۱۱۰-۱۰۱.
- ۷- کریمیان سردشتی، نادر. (۱۳۸۲). دانشنامه آب و آب شناسی در فقه و روایات اسلامی. تهران: دفتر حقوقی وزارت نیرو.
- ۸- مبین، حجت. (۱۳۸۷). جامعه شناسی مجازات ضرورتی فراموش شده. گواه بهار. ۱۲. صص ۸۰-۷۵.
- ۹- عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ ریاضت، زینب. (۱۳۹۴). سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در قبال خانواده. دو فصلنامه فقه و حقوق خانواده. دوره ۶۳.
- ۱۰- رجبی، مهدی. (۱۳۹۰). حسن وقیح اخلاقی مبنای جرم انگاری. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق. دانشگاه تهران.
- ۱۱- مرادی، فرزانه. (۱۳۹۸). جرایم آبی در عرصه سیاست جنایی ایران. تهران: انتشارات مجد.
- ۱۲- کریمیان سردشتی، نادر. (۱۳۸۲). دانش نامه آب و آب شناسی در قرآن کریم. تهران.
- ۱۳- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ ساداتی، سید محمدجواد. (۱۳۹۴). «مفهوم قدرت در جامعه شناسی کیفری»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۳۸-۹.
- ۱۴- قاضی نژاد، مریم؛ ذبیحی، مینا. (۱۳۹۴). «نسل وجدی انگاری جرم»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۵۰-۱۲۳.
- ۱۵- عدالت جو، اعظم. جعفرپورصادق، الهام. (۱۳۹۳). «بزه پوشی و تاثیر آن در پیشگیری از انحراف ثانویه»، تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۳۷-۱۷.

- ۱۷- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ ساداتی، سید محمدجواد. (۱۳۹۲). « دورکهایم و کارکرد گرایي در شناخت کیفر»، فصلنامه تعالی حقوق، دوره جدید شماره ۴، صص ۱۰۱-۱۲۴
- ۱۸- مستخدمین حسینی، حمید. (۱۳۹۴)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، کار و جامعه، شماره ۱۸۷، صص ۶۹-۵۵.
- ۱۹- کرو، لین؛ سمنز، ناتاشا. (۱۳۹۴). پژوهش جرم شناسی، ترجمه: واعظی، آزاده، تهران: میزان.

۲۰. Katja Eman, Gorazd mesko, Lorenzo Segato, and Massimo Migliorini (2020). *Water, Governance, and Crime Issues*. Springer Nature Switzerland AG (eBook), <https://doi.org/10.1007/978-3-030-44798-4>
۲۱. Rob, C. (2018). Probation and the philosophy of punishment. *Probation Journal*, 65(3).252–268. <https://doi.org/10.1177/0264550518776768>
۲۲. Rachel, C. Peter, S. (2018). *The Sociology of Punishment and the Effects of Imprisonment on Families*.
۲۳. Rosen, L. (2006). *Law as Culture: An Invitation*. Princeton University Press. Oxford University Press, pp. 1-26. <https://www.researchgate.net/publication/323114853>
۲۴. Garland, D. (1991). Sociological Perspectives on Punishment, *Crime and Justice*, 14, 115– 65.